

۲۹_ ای مفتون حقیقت و منجذب ملکوت الله نامه مفصل رسید و از تلاوتش نهایت سرور حاصل گردید زیرا دلیل جلیل بر علو همت و سمو نیت بود که الحمد لله خیر خواه عالم انسانی و منجذب ملکوت بهائی و مفتون ترقی عالم بشری هستی امیدوارم که بسبب این افکار عالیه و انجذابات وجدانیه و بشارات ملکوتیه چنان روشن گردی که پیرتو محبت الله بر اعصار و قرون بتابی مرقوم نموده بودی که شاگرد مدرسه ترقی روحانی هستی خوشا بحال تو اگر مدارس ترقی بمدرسه کلیه ملکوت منتهی گردد علوم و معارفی حاصل شود که انسان لوح منشور امکانرا نامتناهی ببیند و جمیع کائناترا حروف و کلمات مشاهده کند و درس مقامات معنوی خواند آیات توحید در ذرات کائنات ببیند و نداء رب الملکوت بشنود و تأییدات روح القدس مشاهده نماید و چنان وجد و طرب یابد که در عرصه و سبوح امکان ننگند آهنگ ملکوت کند و بجهان لاهوت شتابد هر مرغی چون پر برویاند در زمین استقرار نیابد باوج اعلی پرواز نماید مگر مرغانی پا بسته و یا بال و پر شکسته و یا آلوده بآب و گل نموده ای حقیقت جو جهان ملکوت یکیست نهایت آنست که بهار تجدد نماید و در کائنات حرکت و جنبشی جدید و عظیم بنماید کوه و دشت زنده شود درختان تر و تازه گردد و برگ و شکوفه و ثمر بطراوتی بی اندازه جلوه نماید لهذا ظهورات سابقه با ظهورات لاحقہ نهایت ارتباط دارد بلکه عین یکدیگرند اما کون که ترقی نماید شعاع شدیدتر است و فیض عظیمتر و آفتاب در دائره نصف نهار جلوه نماید ای طالب ملکوت هر ظهوری جان عالم است و طبیب حاذق هر دردمند عالم بشر مریض است آن طبیب حاذق علاج مفید دارد و بتعالیم و وصایا و نصایحی قیام نماید که درمان هر درد است و مرهم هر زخم البته طبیب دانا احتیاجات مریض را در هر موسمی کشف نماید و بمعالجه پردازد لهذا تعالیم جمال ابهی را تطبیق بلوازم و احتیاجات زمانه نما ملاحظه مینمائی که جسم مریض جهانرا علاج برء الساعه است بل دریاق شفای ابدیست و معالجه اطبای حاذق سلف و خلف نوع واحد نیست بلکه بمقتضای مرض مریض است هر چند علاج تغییر و تبدیل یابد ولی کل بجهت صحت مریض است در ظهورات سابقه جسم علیل عالم تحمل علاج قوی فائق نداشت اینست که حضرت مسیح فرمود امور بسیار است که

لازمست بیان شود و لکن حال شما نتوانید استماع نمود و لکن چون آن روح تسلی دهنده که پدر میفرستد بیاید حقیقت را از برای شما بیان کند لهذا در این عصر انوار تعلیم خصوصی عمومی گردید تا رحمت پروردگار شرق و غرب را احاطه نماید وحدت عالم انسانی جلوه کند و نورانیت حقیقت جهان وجدانرا منور نماید نزول اورشلیم تازه شریعتی است آسمانی و کافل سعادت عالم انسانی و جلوه نورانیت عالم الهی عما نوئیل فی الحقیقه مبشر بر جوع ثانی حضرت مسیح بود و منادی طریق ملکوت این معلومست که حرف عضوی از اعضای کلمه است این عضویت عبارت از استفاضه است یعنی این حرف مستفیض از کلمه است و ارتباط روحانی بکلمه دارد و جزء او محسوب میشود حواریون بمنزله حروف بودند و حضرت مسیح جوهر کلمه و معانی کلمه که فیض ابدیست پرتوی بر آن حروف افکنده بود و چون حرف عضوی از اعضای کلمه است لهذا معنا مطابق کلمه است امیدواریم که آنچه جناب عما نوئیل بشارت داده امروز تو بآن قیام نمائی و یقین بدان که موفق میشوی زیرا تأییدات روح القدس پیایی میرسد و قوت کلمه چنان نفوذ کند که حرف آئینه مجلای آفتاب کلمه شود و فیض و انوار کلمه جهانرا روشن نماید اما اورشلیم آسمانی که در قطب امکان استقرار یافته و قدس الأقداس ربانی که علم افراخته جامع جمیع کمالات و تعالیم سابقه است و از آن گذشته منادی وحدت عالم انسانیست و علم صلح عمومی و روح حیات ابدیه و نور کمالات الهیه و فیض محیط عالم آفرینش و زینت و آرایش آفرینش و سبب آسایش عالم بشر است بالواح مقدسه مراجعت نمائید اشراقات و تجلیات و کلمات و بشارات و طرازات و کتاب اقدس ملاحظه مینمائید که این تعالیم الهیه الیوم درمان درد عالم انسانیست و مرهم زخم جسد امکانی روح حیانتست و سفینه نجات و مغناطیس عزت ابدیه و قوه نافذه در حقیقت انسانیه *